



### Kuh-e-Rahmat inscription (Newly Found)

Mojtaba Doroodi<sup>1</sup> & Mohammad Javad Owladhoseyn<sup>2</sup> & Hamid Faderi<sup>3</sup>

Kuh-e Rahmat is the name of a mountain located in the eastern part of Marvdasht city. Numerous ancient monuments can be seen in this mountain, the most important of which is undoubtedly Persepolis or the Achaemenid city of Pārsa. The mountain also includes extensive evidence of ancient burials. Furthermore, Sassanian epigraphical evidence, such as the inscriptions of Maqṣūd Ābād and Taxt-e Ṭawus, have been spotted in Kuh-e Rahmat. A newly found Middle Persian inscription that can be considered a burial inscription will be introduced and discussed in the present article. The most critical issue in this inscription is the attestation of the city Istakhr. Such an attestation in the context of burial inscriptions is unique. It is generally assumed that the inscription might belong to the late Sassanian era. Such burial inscriptions could belong to one of the significant social classes at that time, i.e., the scribes. The exact location of the newly inscribed inscription of Kuh-e-Mehr is the same valley in which Taxt-e Ṭawus inscriptions are located: on the right side of the road between Naqsh-e-Rajab and the city of Istakhr. Kuh-e Rahmat inscription is written in six lines vertically. Its dimensions is 50 cm in 60 cm. There are two square holes below the inscription in the mouth of a small cave. Some researchers consider these holes, which are very frequent in this region, as Astodān. Such square holes can be seen in large numbers on the mountain slopes near Naqsh-e Rajab and the newly discovered inscription. These holes could indicate that the Kuh-e Rahmet inscription is a burial inscription. The surrounding area could be a burial place as well. All the material presented in this speech indicates the great importance of this inscription, which necessitates further research on this inscription. The environment around this inscription should also be further studied by archaeologists.

**Keywords:** Middle Persian inscription, Kuh-e-Rahmat, Kuh-e-Mehr, Istakhr city, burial inscription

Received: August, 9, 2021; Accepted: October, 4, 2021

doi 10.22059/jis.2021.328580.1020  
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601  
<https://jis.ut.ac.ir>

1. MA of Ancient Culture and Languages of Iran, Manager, Persepolis Museum. Shiraz, Iran. Email of the corresponding author: doroodi.official@gmail.com
2. PhD Candidate in Iranian Old Languages, Department of Ancient Languages of Iran, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. PhD in Conservation and Restoration, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Persepolis world Heritage Site Manager, Iran,.

## کتیبه کوه رحمت (نویافته)

مجتبی دورودی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

محمدجواد اولادحسین

کارشناس ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه کرمان، شیراز، ایران.

حمید فدایی

دکتری مرمت آثار تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

علمی - پژوهشی

### چکیده

کوه رحمت نام کوهی است که در سمت شرقی شهرستان مرودشت واقع شده است. در این کوهستان آثار باستانی پرشماری دیده می‌شود که بدون تردید تخت‌جمشید یا همان شهر هخامنشی پارسه مهم‌ترین آنهاست. همچنین این کوهستان شواهد گسترده‌ای از آثار تدفینی عهد باستان را در دل خود جای داده است. به‌علاوه در این کوهستان آثار نوشتاری مربوط به سنت ساسانی، مانند کتیبه‌های مقصودآباد و تخت‌طاووس نیز، پیش‌تر مشاهده شده است. در پژوهش حاضر، کتیبه‌ای نویافته به زبان فارسی‌میانه و خط پهلوی کتابی معرفی می‌گردد که می‌توان آن را در ردیف کتیبه‌های تدفینی به‌شمار آورد و از این پس با عنوان کتیبه کوه رحمت از آن یاد می‌شود. یکی از موارد بسیار با اهمیت این کتیبه، اشاره به نام شهر استخر است که در کتیبه‌های تدفینی برای نخستین‌بار مشاهده گردیده است. در یک نگاه کلی به محتوای این کتیبه، می‌توان اینگونه ابراز داشت که کتیبه مورد اشاره مربوط به اواخر دوران ساسانی است و به طبقه‌ای از اشراف آن روزگار یعنی دبیران تعلق داشته است. شواهد بسیاری در دست است که نشان می‌دهد دبیران از طبقات ممتاز روزگار ساسانی بوده‌اند. به گونه‌ای که نام تعدادی از دبیران در سنت پهلوی کتیبه‌ای به ما رسیده است. کتیبه نویافته کوه رحمت در دره‌ای از این کوهستان، تحریر شده است که از جمله اراضی تخت‌طاووس به‌شمار می‌رود و در فواصل سمت راست میان جاده نقش‌رجب به شهر استخر قرار دارد و دربردارنده شش‌شتر است که به‌صورت عمودی و در اندازه ۵۰ در ۶۰ سانتی‌متر به تحریر درآمده است. از جمله ویژگی‌های پیرامون این کتیبه همچنین وجود دو حفره مربع‌شکل در دهانه غار و در زیر نوشته است که بعضی از پژوهشگران از آنها با عنوان استودان یاد کرده‌اند. چنین ساختارهای حفره‌مانند در دامنه‌های کوهستان و نزدیک نقش‌رجب و کتیبه نویافته مورد بحث به تعداد زیاد قابل مشاهده است که خود خبر از ماهیت تدفینی این مکان می‌دهد. تمامی مطالب ارائه شده در این گفتار بیانگر اهمیت بسیار زیاد این کتیبه است که ضرورت پژوهش‌های بیشتر بر روی آن را می‌رساند. همچنین بایسته است محیط پیرامون این کتیبه نیز از سوی باستان‌شناسان بیشتر مورد توجه و پژوهش قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** کتیبه پهلوی، کوه رحمت، کوه مهر، شهر استخر، گورنشته.

## مقدمه

کوه رحمت از جمله کوهستان‌های با اهمیت استان فارس و دشت مرودشت است که از منظر باستان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای را داراست؛ به‌ویژه که تخت جمشید در دامنه آن قرار دارد « این کوهستان از شمال به جنوب، یعنی حوالی تخت طاووس تا شرق جلگه مرودشت در حدود شصت کیلومتر را در برمی‌گیرد (سامی، ۱۳۸۹: ۶۳) و در حدود ۱۷۷۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (اشمیت<sup>۱</sup>، ۱۳۴۲: ۵۳). این مکان علاوه بر آثار باستانی مربوط به روزگارِ هخامنشی، دربردارنده آثار متنوعی از دوران ساسانی نیز هست؛ به‌عنوان مثال نقش‌برجسته‌های ساسانی موسوم به نقش‌رجب نیز به مانند تخت جمشید، در بخشی از دامنه این کوهستان نقر شده‌اند. بنابراین می‌توان آنها را از جمله آثار مربوط به این کوهستان به‌شمار آورد (واندنبِrg<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹: ۲۴). همچنین نشانی‌های گسترده‌ای از تدفین باستانی در این کوهستان قابل مشاهده است. بنابر اشاره پژوهشگران به‌نظر می‌رسد؛ کوه رحمت عنوانی است که از سده‌های هشت و نه هجری بر آن اطلاق شده است (سامی، ۱۳۸۹: ۶۳). ویژگی دیگر این کوهستان که از منظر زبان‌شناسی بسیار اهمیت دارد همانا پذیرا بودن انواع کتیبه‌ها و نبشته‌های باستانی است (نک: نقشه<sup>۱</sup>). با توجه به مستندات موجود، کوه رحمت علاوه بر سنت نوشتاری هخامنشی با خط میخی و زبانهای متعدد آن که در تخت جمشید به رشته تحریر درآمده است و نیز کتیبه‌های ساسانی (قیاس شود با کتیبه‌های پهلوی روزگار ساسانی در کاخ تچر و نقش‌رجب)<sup>۲</sup>، شواهد متنوعی از دیگر نوشتارهای ایرانی را نیز ارائه داده است. به‌عنوان مثال کتیبه‌های مقصودآباد که از جمله نبشته‌های یادبودی به‌شمار می‌روند در بخشی از دامنه این کوهستان نقر شده است (De Menasche, 1956: 423-427)<sup>۳</sup> که به فارسی میانه و با خط پهلوی کتابی است. چهار کتیبه موسوم به تخت طاووس (استخر) که بنابر طبقه‌بندی در زمره کتیبه‌های تدفینی هستند (نک: نقشه<sup>۱</sup> و ۲). نیز در منتهی‌الیه دامنه همین کوهستان نقر شده است (Gropp, 1969: 258-260)<sup>۴</sup>.

---

1. Schmidt  
2. vandenbergh



نقشه ۱- نوار آبی رنگ نشانگر محدوده کوه رحمت است، جایگاه کتیبه مقصودآباد در جنوب پارسه و دو ستاره موجود در نقشه نشانگر کتیبه‌های تخت طاووس (سمت راست از نگاه روبه‌رو) و کتیبه نویافته کوه رحمت (سمت چپ) هستند.



نقشه ۲- جایگاه کتیبه‌های تخت طاووس سمت راست از نگاه روبه‌رو و کتیبه نویافته کوه رحمت در سمت چپ قابل مشاهده است.

در پژوهش حاضر نیز کتیبه‌ای جدید از این کوهستان معرفی می‌گردد که برای نخستین بار مشاهده و خوانش گردیده است.

### ۱. آثار نوشتاری کوه رحمت (پیشینه پژوهش)

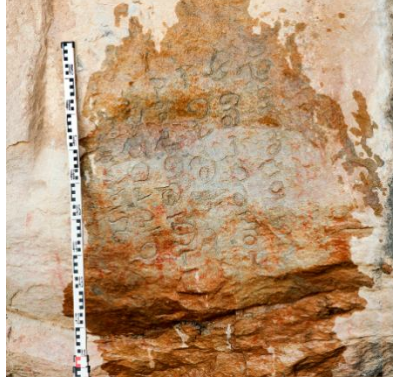
همان‌گونه که اشاره گردید تمامی متن‌های موجود در تخت جمشید و نقش‌رجب به این کوهستان تعلق دارند که دربردارنده گستره متنوعی از خط و زبان‌های ایرانی و غیر ایرانی از روزگار باستان تا ادوار جدید است.<sup>۵</sup> اما در همین کوهستان به‌ویژه دو نوشتار وجود دارند که با کتیبه نویافته کوه رحمت شباهت فراوانی دارند که همان کتیبه‌های مقصودآباد و کتیبه‌های تخت طاووس هستند. به عبارت دیگر این دو دربردارنده همان سنت نوشتاری متأخر پهلوی هستند که کتیبه نویافته کوه رحمت نیز بدان تعلق دارد.

### ۲. کتیبه نو یافته کوه رحمت

در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۹ و در هنگام گشت‌زنی آقای حسین کشاورز یکی از اعضای تیم حفاظت مجموعه جهانی تخت جمشید، در دامنه‌های شمالی کوه رحمت در دهانه ورودی یک غار آثار نوشتاری مشاهده گردید که پس از عکس‌برداری مقدماتی و فرستادن آن برای آقای محمدجواد اولادحسین (معاونت وقت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید)، ایشان به ماهیت نوشته‌ای با تحریر پهلوی کتابی پی برد که پیش‌تر از سوی پژوهشگران مشاهده نگردیده بود (تصویر ۱ و ۲). کتیبه نویافته کوه رحمت در دره‌ای از این کوهستان تحریر شده است که از جمله اراضی تخت طاووس به‌شمار می‌رود و در فواصل سمت راست میان جاده نقش‌رجب به شهر استخر قرار دارد و دربردارنده شش شطر است که به صورت عمودی و در اندازه ۵۰ در ۶۰ سانتی‌متر به تحریر درآمده است.<sup>۶</sup>

### ۳. حرف‌نویسی و آوانویسی کتیبه نویافته کوه رحمت

با توجه به متن این کتیبه که ترجمه آن در فرازهای سپسین این گفتار از نظر خواهد گذشت؛ می‌توان این کتیبه را در گروه کتیبه‌های تدفینی به‌شمار آورد (طرح ۱). وجود دو حفره مربع‌شکل در دهانه غار و در زیر نوشته که بعضی از پژوهشگران از آنها با عنوان استودان یاد کرده‌اند از جمله ویژگی‌های پیرامون این کتیبه است (تصویر ۳). چنین ساختارهای حفره‌مانند در دامنه‌های کوهستان و نزدیک نقش‌رجب و کتیبه نویافته مورد بحث به تعداد زیاد قابل مشاهده است (تصویر ۴).



تصویر ۱- تصویر ویرایش شده از کتیبه و حالت نقر عمودی آن (عکس از محمدعلی مصلی‌نژاد).



تصویر ۲- نگاتیو کتیبه نویافته کوه رحمت و جهت خوانش آن (سمیرا معتمدی).

### حرف‌نویسی

1. [ZNE ʔstw]dʔn ZK [Y]
2. m[t]ryw[n]k dpyr ŠNT
3. 4 m [ʔt]wr dʔt<sup>1</sup>gʔ[h]
4. Y dyn ʔlč ZYN Y
5. MN sthl štr Y gčyn
6. plmwt<sup>1</sup> HPLWNtn<sup>1</sup>

### آوانویسی

1. [ēn astō]dān ān [ī]
2. m[ih]rgū[n]ak dibīr sāl
3. čahārom [ād]ur dādġā[h]
4. ī dēn arj buland ī
5. az staxr šahr ī guzīn
6. framūd kandn

۵۰  
۱۱۳۱۳۱۳  
۱۵۲۳۲۹۱۳۱۳۱۳  
۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳  
۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳  
۱۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳

طرح ۱- طرحی از کتیبه مورد نظر و جهت خوانش آن (نگارندگان).



تصویر ۳- وجود حفره‌هایی در دهانه غار و زیر نوشته نویافته (عکس از محمدعلی مصلی نژاد).



تصویر ۴- حفره‌های سنگی متعدد در کوه و نزدیک کتیبه (عکس از محمدعلی مصلی نژاد).

#### ۴. تحلیل

با توجه به اینکه این خوانش، نخستین کوشش برای این اثر به‌شمار می‌رود؛ نگارندگان سعی بر آن داشته‌اند تا نزدیک‌ترین ترجمه را بر اساس حرف‌نویسی واژگان ارائه دهند با اینحال اشاره به یک نکته ضروری می‌نماید و آن اینکه با توجه به نویسه‌های اندک در

خط پهلوی کتابی که گاه یک نشانه برای چند حرف به کار برده می‌شود بعضی از دیگر صورت‌های خوانشی نیز برای آنها قابل بررسی بودند که در بخش یادداشت‌ها به آنها نیز اشاره شده است. همچنین بایسته است به این نکته توجه داشت که تحریر خط کتابی در چنین کتیبه‌هایی، مربوط به اواخر روزگار ساسانی و بعد از آن است و با توجه به اینکه چنین کتیبه‌هایی با ضربات سطحی بر سنگ نقر شده‌اند دچار دگرگونی در ریخت ظاهری و آسیب نیز گردیده‌اند.

#### ۱.۴. سطر نخست (تصویر ۵)



تصویر ۵- سطر نخست کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

قسمت آغازین سطر نخست این کتیبه آسیب دیده است. اما در بخش‌های پایانی همان سطر جزء  $d^n$  دیده می‌شود. همچنین پس از این جزء، حرف  $ZK$  به وضوح قابل تشخیص است. با توجه به رگه‌های ضعیفی از بخش آسیب‌دیده و نیز به قیاس با نمونه مشابهی از گورنوشته‌های پهلوی به نظر می‌رسد می‌توان برای بازسازی سطر نخست چنین پیشنهاد داد که این سطر می‌بایست با ضمیر اشاره  $\bar{e}n$  آغاز گردد. این واژه به صورت هزوارش  $ZNE$  در ساختار بسیاری از گورنوشته‌ها دیده می‌شود (Gropp, 1969: 241). نیز بنگرید به: (نصراله‌زاده، ۱/۱۳۹۸: ۶۹). به نظر می‌رسد جزء  $(d\bar{a}n/d^n)$  بازمانده‌ای از واژه استودان باشد که حرف‌نویسی و آوانویسی آن در پهلوی کتابی بدین صورت  $(ast\bar{o}d\bar{a}n^3/stw\bar{d}^3n)$  است. هرچند که پیشینه به کار بردن این واژه به پیش از روزگار ساسانی بازمی‌گردد؛ با اینحال گویا در گورنوشته‌ها تنها در کتیبه میدانک کازرون خوانش گردیده است (نصراله‌زاده، ۱/۱۳۹۸: ۶۸-۶۹). بنابراین کتیبه کوه رحمت دومین مورد از کاربرد این واژه است. بعضی از پژوهشگران بر این باور هستند که منظور از استودان همان حفره‌های کوچکی است که در پیرامون چنین کتیبه‌هایی دیده می‌شود (نک: تصویر ۳ و ۴). حال آنکه در نزدیکی همین کتیبه در تخت طاووس کتیبه‌هایی با ساختارهای حفره‌مانند



مشابه نیز وجود دارد که در آنها واژه دخمه، به کار برده شده است. دومین واژه گونه هزوارشی صفت اشاره ān است که حرف نویسی آن ZK است. منطقی است که نشان کسره اضافه (ā/Y) پس از این جزء به کار برده شده باشد که احتمالاً در آخرین بخش سطر نخست و یا در آغاز سطر دوم بوده است.

۲.۴. سطر دوم (تصویر ۶)



تصویر ۶- سطر دوم کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

نخستین واژه از سطر دوم نیز بسیار آسیب دیده است؛ با اینحال برخی از نویسه‌ها، از جمله: (m)، (n)، (y) و (k) واضح هستند. با در نظر گرفتن ساختار کتیبه‌های تدفینی، این قسمت می‌بایست نامی خاص باشد که استودان بدو تعلق دارد. با دقت در قسمت‌های آسیب دیده و پیوستگی آن با بخش‌های سالم، هرچند نه به اطمینان اما، می‌توان به نام خاصی شبیه به مهرگونک رسید که حرف نویسی آن mtrywnk و درآوانویسی mihrgūnak خوانش می‌گردد. لازم به ذکر است که در مورد نویسه (y) که در این جزء دیده می‌شود؛ می‌بایست اشاره داشت که این نویسه معمولاً در هزوارشها می‌آید و حرف نویسی آن به صورت K است؛ اما «در موارد نادری این حرف نشان دهنده ۷ (غ) و گونه‌ای از تلفظ g (گ) است» (آموزگار؛ تفضلی، ۱۳۸۹: ۵۱). دومین واژه کلمه دبیر با حرف نویسی dpyr و آوانویسی dibīr است. صفتی که به نام خاص قبل از آن بازمی‌گردد و خبر از پیشه او می‌دهد. شواهد بسیاری در دست است که نشان می‌دهد دبیران از طبقات ممتاز روزگار ساسانی بوده‌اند. نام تعدادی از دبیران در سنت پهلوی کتیبه‌ای به ما رسیده است. به عنوان مثال در همان نزدیکی کتیبه نیویافته کوه رحمت، در نقش‌رجب از دبیر کرتیر با عنوان بوختگ یاد شده است. دبیران دارای طبقات گوناگونی بوده‌اند (Tafazzoli, 2000: 18-37). باتوجه به متن کتیبه کوه رحمت چه بسا دبیر این

کتیبه در زمره شهردبیران، داد دبیران و یا دین دبیران بوده باشد.<sup>۱۰</sup> نکته مهم اینکه واژه دبیر در کتیبه‌های تدفینی با سنت پهلوی کتابی، برای نخستین بار در کتیبه کوه رحمت دیده می‌شود. آخرین واژه سطر دوم واژه هزوارشی ŠNT است که در آوانویسی sāl نوشته می‌شود. تحریر این واژه در کتیبه کوه رحمت شباهت بسیاری به همین واژه در مزارنبشته‌های تخت طاووس دارد که بسیار به کتیبه کوه رحمت نزدیک هستند.

#### ۳.۴. سطر سوم (تصویر ۷)



تصویر ۷- سطر سوم کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

منطقی است که سطر سوم کتیبه کوه رحمت، می‌بایست با عددی آغاز گردد که به سال نگاشته شدن کتیبه اشاره داشته باشد. در خوانش نگارندگان این عدد چهار است که حرف m که پس از آن آمده است؛ آن را به صورت عددی ترتیبی درمی‌آورد.<sup>۱۱</sup> باید بدین نکته اشاره داشت که در پهلوی کتابی صورت حرف‌نویسی wm و آوانویسی om نشانه عدد ترتیبی است. واژه دوم از خط سوم نیز هرچند که آسیب دیده است اما به نظر می‌رسد، می‌توان آن را به صورت <sup>۳</sup>twr بازسازی و خوانش کرد که آوانویسی آن ādur و به معنی آتش است. پس از آن، هرچند که به سیاق دیگر کتیبه‌های تدفینی، می‌توان انتظار نام خاص پادشاهی را داشت که مبنای گاه‌شماری قرار می‌گیرد و در اغلب مزارنبشته‌ها با سال یزدگردی مواجه هستیم؛ با اینحال در این بخش از کتیبه نمی‌توان چنین خوانشی را با اطمینان ارائه داد. این واژه در خوانش پیش‌رو، ددگاه است که حرف‌نویسی آن d<sup>۳</sup>t<sup>۱</sup>g<sup>۲</sup>[h] و در آوانویسی به صورت dādgā[h] می‌باشد. بنابراین کتیبه کوه رحمت از سال چهارم آتش ددگاه اطلاع می‌دهد. در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره گردد که اهمیت آتش و طبقات آن در جامعه ساسانی بسیار گسترده و متنوع است.<sup>۱۲</sup> در یکی از طبقه‌بندی‌ها از سه آتش و آتشکده مطلع می‌گردیم که به ترتیب

اهمیت عبارتند از: آتش بهرام، آتش آذران و آتش دادگاه (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۴۷۷) و این مورد سوّم یعنی آتش دادگاه که در کتیبه نیز بدان اشاره شده است؛ با آداب و رسوم مربوط به تدفین نیز مرتبط است به گونه‌ای که در مورد این آتش آمده است: «آتش دادگاه در دو مکان می‌تواند وجود داشته باشد: یکی در معبد عمومی که با همان تشریفات دو آتش دگر در گنبد قرار می‌گیرد، دیگری در اتاق کوچکی نزدیک دخمه که روحانیان یا مردم عادی زرتشتی از آن مراقبت می‌کنند» (تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱). جالب اینکه در زیر کتیبه نویافته کوه رحمت غار کوچکی مشاهده می‌گردد که علاوه بر دو حفره سنگ حوضچه‌ای، دربردارنده مرکب‌نوشته‌هایی به خط پهلوی نیز هست و بسیار تداعی‌کننده عبارت بالا است. بایسته است این نکته نیز یادآوری گردد که در معنای واژه دادگاه اشاره به جای وقفی، آتشکده و دخمک نیز عنوان شده است (مکنزی، ۱۳۹۰: ۶۰).<sup>۱۳</sup> نکته دیگر نیز که می‌بایست بدان اشاره گردد: «شاهان ساسانی در هنگام جلوس آتشی را تأسیس می‌کردند که مبدأ سالهای پادشاهی آنان به‌شمار می‌رفت. امور آتشکده‌ها در دوران ساسانی بر عهده دیوان خیرات یا اوقاف (رؤانگان) بوده است» (تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱) و دبیران از خطی استفاده می‌کرده‌اند که بدان آتش همدارذیره می‌گفته‌اند. بدین ترتیب می‌توان در مورد تعلق دبیر صاحب کتیبه کوه رحمت به این گروه از دبیران روزگار ساسانی نیز، بحث نمود.

#### ۴.۴. سطر چهارم (تصویر ۸)



تصویر ۸ - سطر چهارم کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

این سطر با نشان کسره اضافه Y که در آوانویسی I نوشته می‌شود آغاز می‌گردد و پس از آن واژه دین با حرف‌نویسی dyn و آوانویسی dēn آمده است<sup>۱۴</sup> که منظور از آن دین مزدیسنان است. بعد از آن، واژه Iç که آوانویسی آن arj<sup>۱۵</sup> است؛ در معنای ارج و ارزش دیده می‌شود (بهار، ۱۳۴۵: ۴۰). که در زبان و ادبیات فارسی، دربردارنده مفاهیمی

چون ارزش، قدر و مقام و منزلت است (هرن؛ هوبشمان، ۱۳۹۳: ۲۸). که با پیوستن به واژه هزواری ZYN که در آوانویسی buland نگاشته می‌گردد (مشکور، ۱۳۴۶: ۱۲۴)؛<sup>۱۶</sup> مفهوم دین ارجمند و بلندمرتبه را می‌رساند. در پایان همین بند نشانه Y دیده می‌شود که در آوانویسی به صورت I نشان داده می‌شود؛ اما این علامت در این بخش از کتیبه، بر سیاق پیشین نشانه کسره اضافه نیست؛ بلکه ضمیر موصولی که kē است که در فارسی میانه زرتشتی نیز دیده می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). «اگر I آغازگر بند موصولی باشد؛ در جایگاه ضمیر موصولی kē قرار می‌گیرد» (زوندلمان، ۱۳۹۰: ۲۴۹).

#### ۵.۴. سطر پنجم (تصویر ۹)



تصویر ۹- سطر پنجم کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

این بند با حرف اضافه az که حرف‌نویسی آن MN است آغاز می‌گردد که پس از آن واژه حرف‌نویسی sthl štr و آوانویسی آن staxr šahr آمده است که اشاره‌ای به نام شهر استخر است. این نام در تحریر پهلوی کتابی اغلب به صورت<sup>۱۷</sup> حرف‌نویسی st<sup>h</sup>hl و آوانویسی staxr دیده می‌شود. در پهلوی کتیبه‌ای نیز صورت Sthly گونه دیگری از صورت حرف‌نویسی آن است<sup>۱۸</sup> که به صورت staxr آوانویسی می‌گردد و بسیار به حرف‌نویسی کتیبه کوه رحمت شباهت دارد. دومین نشانه علامت Y است که به واژه پس از خود یعنی gčyn چسبیده است. آوانویسی این واژه به صورت guzīn خوانش گردید. هرچند که حرف g صورت جدیدتر حرف w فارسی میانه است و منطقی‌تر آن است که به جای guzīn در متن‌های روزگار ساسانی با واژه wizīn برخورد نمائیم، با این حال سخن از اواخر روزگار ساسانی یا سده‌های نخست اسلامی است که زبان فارسی راه

تحوّل در پیش گرفته است. این واژه به طرز جالبی متبادر کننده اصطلاح ستخر گزین است که در پاره‌ای از متون بدان اشاره شده است:

نشستنگه شاه ایران زمین

(حسینی فسایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵۴).

به سه گنبدان ستخر گزین

گل است و سپید و ستخر گزین

( فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۲۳ )

پناه دلیران ایران زمین

۴. ۶. سطر ششم (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰- سطر ششم کتیبه در دو وضعیت. بالا عکس کتیبه و پائین نگاتیو همان عکس.

آخرین سطر کتیبه کوه رحمت در بردارنده دو واژه است. نخست صورت حرف‌نویسی  $plmwt^1$  که آوانویسی آن framūd است به معنی فرمود و بعد از آن واژه هزوارشی  $HPLWNtn^1$  به معنای کندن kandan آمده است که خبر از کندن استودانی در شهر استخر و در سال چهارم آتشی خاص که همان آتش دادگاه بوده است؛ دارد. جالب اینکه در اغلب کتیبه‌های تدفینی اصطلاح فرمود کردن و یا کردن فرمود دیده می‌شود (نصراله‌زاده، ۱۳۹۸/ج ۱: ۷۲) و اشاره به کندن در کتیبه کوه رحمت نخستین نمونه به کار بردن این عبارت به‌شمار می‌رود.

## ترجمه

«این استودان آن مهرگونک دبیر، سال چهارم آتش دادگاه، دین ارجمند و بلند مرتبه [است] که از شهر استخر گزین فرمود کندن».

## برآمد

کتیبه نویافته کوه رحمت را می‌توان از جمله کتیبه‌های تدفینی دانست که در واپسین ماه‌های سال ۱۳۹۹ مشاهده گردیده است. آنچه که از نظر گذشت؛ نخستین خوانش و تحلیل از محتوای این کتیبه بود که بدون تردید نیازمند بررسی بیشتر و تحلیل و نقدهای عالمانه از سوی پژوهشگران حوزه مطالعات فارسی‌میان خواهد داشت. از جمله موارد با اهمیت این کتیبه اشاره به نام دبیر، شهر استخر و عبارت فرمود کندن است که در کتیبه‌های تدفینی با سنت نوشتار کتابی برای نخستین‌بار مشاهده گردیده است. زیبایی خط کتیبه، نشان از هنر کاتب آن دارد. اینکه کتیبه کوه رحمت به روزگار ساسانی تعلق دارد یا در سده‌های نخستین اسلامی نقر شده است خود موضوعی است که پژوهش‌های آینده بدان پاسخ خواهد داد.

## پی‌نوشت‌ها

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از زحمات جناب دکتر سهیل دلشاد به‌خاطر همراهی و زحماتشان، صمیمانه قدردانی نمایند. همچنین سپاسگزار جناب محمدعلی مصلی‌نژاد به‌خاطر همراهی با نگارندگان و تصویربرداری‌های حرفه‌ای ایشان هستیم. بایسته است از زحمات بانو سمیرا معتمدی به‌خاطر ویرایش نسخه نهایی تصویر کتیبه صمیمانه سپاسگزاری کنیم. همچنین سپاسگزار تیم یگان حفاظت تخت‌جمشید به سرپرستی آقای روح‌اله خالیدیان به‌خاطر یافتن و گزارش این کتیبه به مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی تخت‌جمشید هستیم.

۱. با توجه به مستندات ارائه شده، پیش از آن تاریخ این کوهستان با نام کوه مهر شناخته می‌شده است (سامی، ۱۳۸۹: ۶۳). نیز بنگرید به (شاپورشه‌زادی، ۱۳۸۹: ۲۵ - ۲۴۹). کتیبه مقصودآباد نیز می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای بر این مدعا باشد؛ چرا که در این کتیبه به نام مهریگان به‌عنوان روستا اشاره شده است و در همان حوالی مقصودآباد روستایی به‌نام مهریون نیز وجود دارد (نصراله‌زاده، ۱/۱۳۹۸: ۲۲۷).

۲. از هخامنشیان در تخت‌جمشید علاوه بر کتیبه‌های شاهی سه‌زبانه (فارسی‌باستان، عیلامی و بابلی) الواح اداری و اقتصادی زیادی نیز غالباً به زبان‌های، عیلامی، آرامی و تعدادی نیز به فارسی‌باستان، بابلی، یونانی و فریگیه‌ای برجای مانده است که در تخت‌جمشید و در کوه رحمت پدیدار گشته‌اند. آثار ساسانی موجود در تچر به فارسی‌میان و به خط پهلوی کتیبه‌های هستند و کتیبه شاپور در نقش‌رجب علاوه بر فارسی‌میان (پهلوی ساسانی) در بردارنده زبان و خط پارتی و یونانی نیز هست.

۳. برای بررسی بیشتر کتیبه مقصودآباد بنگرید به: (تفضلی، ۱۳۷۷: ۹۷)؛ نیز: (نصراله‌زاده، ۱/۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۷).

۴. برای بررسی بیشتر بنگرید به: (Frye, 1970: 152-155)؛ (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۰۲-۱۰۳)؛ نیز: (نصراله‌زاده، ۱/۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۹).

۵. برای بررسی نسخه فارسی‌باستان، کتیبه‌های هخامنشی تخت‌جمشید بنگرید به: (Schmitt, 2000) و برای بررسی همان کتیبه‌ها در هر سه زبان (فارسی‌باستان، بابلی و عیلامی) بنگرید به: (Lecoq, 1997). برای بررسی الواح باروی تخت‌جمشید نیز بنگرید به: (Hallock, 1969). برای بررسی نوشته‌های آرامی بر روی اشیاء به‌دست آمده از تخت‌جمشید بنگرید به: (Bowman, 1970). برای بررسی کتیبه‌های پهلوی شاپور سکانشاه و سلوک داور در کاخ تچر

- بنگرید به: (Herzfeld, 1924, I., 122). برای کتیبه شاپور در نقش‌رجب (پهلوی، پارتی و یونانی) بنگرید به: (Herzfeld, 1924, I., 86). در مورد کتیبه کرتیر در نقش‌رجب و دیگر کتیبه‌های او نیز، بنگرید به: (Gignoux, 1991). برای بررسی نوشته‌های کوفی عضالدوله در کاخ تچر و دیگر نوشتارهای فارسی نیز بنگرید به: (سامی، ۱۳۸۹: ۲۴۷-۲۶۰).
۶. این کتیبه در جنوب شهر استخر و کتیبه‌های تخت‌طاووس واقع شده است.
۷. در پراتنز هر دو صورت حرف‌نویسی و آوانویسی قید شده است.
۸. در لوکیه، کتیبه‌ای به آرامی شاهنشاهی و مربوط به روزگار هخامنشی وجود دارد که واژه استودان در آن آمده است (Basirov, 1995: 339-341).
۹. برای بررسی تحریر پهلوی کتابی بنگرید به: (Nyberg, 1974, vol. 1: 153) نیز (تفضلی، ۱۳۴۸: ۱۳۸).
۱۰. برای بررسی طبقات دبیران در عهد ساسانی بنگرید به: (Tafazzoli, 2000: 18-37).
۱۱. حرف m در این کتیبه به صورت دایره دیده می‌شود که با حرف T در پایان واژه، بسیار شباهت دارد؛ با اینحال زائده‌های کوچکی که دو سر دایره را قطع می‌کند این حرف را از T جدا می‌سازد. از سوی دیگر حرف T نیز به صورت دایره دیده می‌شود که جزء الفک مانند آن جدا و یا بسیار مماس با آن دیده می‌شود.
۱۲. برای بررسی انواع آتش‌ها و طبقه‌بندی آنها بنگرید به: (عفی، ۱۳۷۴: ۴۰۴-۴۱۹)، (Boyce, 1968: 52-68)، (Vitalone, 2004: 425-442). همچنین برای بررسی اهمیت آتش در فرهنگ ایرانی: بنگرید به: (سهاپور، ۱۳۹۵: ۶۱-۷۵).
۱۳. نکته: این تحریر به واژه yazdīh با حرف‌نویسی yzdtlyh به معنای ایزدی بودن (بهار، ۱۳۴۵: ۳۵۱) نیز بسیار شبیه است که شاید بتوان عبارت آتش ایزدی را برای آن در نظر گرفت.
۱۴. این واژه به صورت‌های خوانشی دیگری نظیر āsn و ēg شباهت دارد. همچنین با نشانه (a) پس از آن متبادرکننده واژه دادستان نیز هست.
۱۵. صورت تحریر این واژه به گونه‌ای است که شاید بتوان برای آن حرف (art) ارت به معنی راستی را نیز در نظر گرفت.
۱۶. عریان آن را به صورت ZYW و به همان معنی بلند آورده است (عریان، ۱۳۹۲: ۱۸۳).
۱۷. برای بررسی صورت پهلوی کتابی این واژه بنگرید به تحریر پهلوی ارداویراف‌نامه در: (ژینیو، ۱۳۹۴: ۱۷۷).
۱۸. در این باره بنگرید به بند ۱۲ کتیبه کرتیر در سرمشهد کازرون.

## منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، ۱۳۸۹، *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، تهران، معین.
- ابوالقاسمی، محسن، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران، سمت.
- اشمیت، اریش، ۱۳۴۲، *تخت جمشید / بناها*. نقشها. نیشته‌ها. ترجمه عبدالله فریار، تهران، امیرکبیر.
- بهار، مهرداد، ۱۳۴۵، *واژه‌نامه بندهشن*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۴۸، *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۷، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، سخن.
- تفضلی، احمد، ۱۳۹۸، *مقالات احمد تفضلی*، گردآورنده ژاله آموزگار، تهران، توس.
- حسینی فسایی، حسن، ۱۳۸۸، *فارسنامه نصری*، چاپ چهارم، دوره دو جلدی، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.
- زوندرومان، ورنر، ۱۳۹۰، «فارسی میانه» در: *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ویراسته رودیگر اشمیت، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران، ققنوس.

- ژینیو، فیلیپ، «گزارنده»، ۱۳۹۴، *ارداویرافنامه (ارداویرازنامه) متن پهلوی، حرف‌نویسی، ترجمه متن پهلوی، واژه‌نامه*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، معین-انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- سامی، علی، ۱۳۸۹، *پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی تخت‌جمشید*، تهران، پازینه.
- سیاهپور، کشواد، ۱۳۹۵، «آتش خانه در فرهنگ عشایر و اقوام جنوب ایران»، *دوفصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، س ۶، ش ۲، صص ۶۱-۷۵.
- شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۸۹، *راهنمای مستند تخت‌جمشید*، تهران، سفیران.
- عربان، سعید، ۱۳۹۲، *فرهنگ پهلوی (واژه‌نامه پهلوی-پازند)*، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عقیقی، رحیم، ۱۳۷۴، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، تهران، توس.
- فرست‌الدوله شیرازی، ۱۳۵۴، *آثار عجم، چاپ دوم سنگی*، هندوستان، بمبئی.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۴۶، *فرهنگ هنوارش‌های پهلوی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مکنزی، دیویدنیل، ۱۳۹۰، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصراله‌زاده، سیروس، ۱۳۹۸، *کتیبه‌های خصوصی فارسی‌میانه ساسانی و پس‌ساسانی (گورنبشته، یادبودی)*، دوره دو جلدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- واندنبگ، لوئی، ۱۳۷۹، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ویدن‌گرن، گئو، ۱۳۷۷، *دین‌های ایران*، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده.
- هرن، پاول و هاینریش هوبشمان، ۱۳۹۳، *فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی*، ترجمه جلال خالقی مطلق، تهران، مهرافروز.
- Basirov, Oric, 1995, *The Evolution of the Zoroastrian Funerary Cult in Western Iran*, London, Department of Art and Archaeology School of Oriental and African Studies University of London.
- Bowman, Raymond A., 1970, *Aramaic Ritual Texts*, Chicago, University of Chicago Press.
- Boyce, Mary, 1968, "On the sacred fires of Zoroastrians," in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. xxxI, 52-68.
- De Menasce, Jean, 1956, "Inscriptions pehlevies en écriture cursive", *Journal Asiatique*. 244/4. 423-431.
- Frye, Richard Nelson, 1970, "Funerary Inscriptions in Pahlavi from Fars", *W.B. Henning Memorial Volume*, London, 152-156.
- Gignoux, Philippe, 1991, *Les quatre Inscriptions du mage kirdir: texts et concordances*, Paris, Cahier Studia Iranica 9.
- Gropp, Gerd, 1969, "Vier ostodan-Inschriften bei Eastachr", *Hinz, W., Altiranische Funde und Forschungen*, Berlin, 229-263.
- Hallock, Richard Treadwell, 1969, *Persepolis fortification text*, Oriental Institute Publication 92, Chicago, The University of Chicago Press.
- Herzfeld, Ernest, 1924, *Paikuli: monument and inscription of the early history of the Sasanian empire* (Vols. 1-2), Berlin, Reimer.
- Lecoq, Pierre, 1997, *Les inscriptions de la Perse achéménide: Traduit du vieux perse, de l'élamite, du babylonien et de l'araméen*, Paris, Gallimard.
- Nyberg, Henrik Samuel, 1974, *A manual of Pahlavi*, Wiesbaden, Otto Harrassowitz.
- Tafazzoli, Ahmad, 2000, *Sasanian society*, New York, Bibliotheca Persica Press.
- Schmitt, Rüdiger, 1999, *Beiträge zu altpersischen Inschriften*, Wiesbaden, Reichert.
- Vitalone, Mario, 2004, "Fires and the Establishment of Ātaš Bahrams in the Zoroastrian Tradition" in *Zoroastrian Rituals in Context* (M. Stausberg, ed.), 425-442.